

خدمات علمی فرهنگی امام رضا علیه السلام

• فعالیت‌های فرهنگی امام علیه السلام در دوران هارون

حضرت در دوران هارون که آزادی نسبی داشت، نه تنها امامت خویش را اعلام کرد، بلکه فعالیت‌های فرهنگی و علمی وسیعی را آغاز نمود و شاگردان زیادی را تربیت کرد. امام به شاگردان خویش دستور می‌داد که روایات را تدوین و نگهداری کنند.

از جمله، به علی بن اسباط فرمود: آیاتی که تفسیر می‌شود، یادداشت کن.^۱

در این عصر هفتاد و هفت تن از شاگردان حضرت، تألیف حدیثی دارند که در مجموع ۲۰۷ کتاب تصنیف کرده‌اند. در میان اینها می‌توان از حسین بن سعید اهوازی، ۳۰ اثر؛ صفوان بن یحیی، ۱۶ اثر؛ محمد بن عمر واقدی، ۲۸ اثر؛ موسی بن قاسم، ۱۵ اثر نام برد.^۲

راویانی که در این عصر از حضرت روایت نقل کرده‌اند، طبق رجال شیخ طوسی، ۱۳۸ تن می‌باشند.^۳

• امام رضا علیه السلام و تهاجم فرهنگی

ترجمه آثار علمی دانشمندان جهان به زبان عربی از زمان امویان شروع شد و در عصر عباسیان به ویژه در زمان هارون و مأمون به اوج خود رسید. (همانگونه که در این زمان وسعت کشور اسلامی به بالاترین حد خود در طول تاریخ رسید) مأمون نامه‌ای به پادشاه روم نوشت و مجموعه‌ای از علوم قدیم و آثار ارسطو را درخواست کرد و جمعی از دانشمندان مانند «حجاج بن مطر» و «ابن بطریق» و «سلما» سرپرست «بیت الحکمه» کتابخانه بزرگ بغداد را مأمور ترجمه آنها نمود.

«خالد بن یزید»، طب و شیمی را (می‌خواست از راه شیمی طلای مصنوعی به دست آورد) «حنین بن اسحاق» بعضی از کتب سقراط و جالینوس را، ابن مقفع، کليلة و دمنه و همین طور کتاب اقلیدس را، به عربی برگرداندند.

خود مأمون نیز ترجمه می‌کرد.

یعقوب ابن اسحاق کندی که در طب، فلسفه، حساب، منطق، هندسه و نجوم خبره بود و در تألیفات خود از روش ارسطو پیروی می‌کرد، بسیاری از کتاب‌های فلسفه را به عربی برگرداند و مشکلات آن را توضیح داد.

کسانی را به قسطنطنیه فرستاد تا کتاب‌های کمیاب فلسفه، هندسه، موسیقی و طب را بیاورند.

محمد بن موسی خوارزمی - ریاضی دان بزرگ - جبر را از حساب جدا کرد. «دارالحکمه» کتابخانه بزرگی بود که به احتمال قوی هارون آن را بنیانگذاری و مأمون تقویت کرد و همچنان باقی بود تا بغداد به دست مغولان افتاد. آنان که از تمدن و فرهنگ بویی نبرده بودند آن را به آتش کشیدند.

به دنبال نهضت ترجمه آنچه مایه نگرانی بود اینکه در بین این مترجمان افرادی متعصب و سرسخت از مذاهب دیگر مانند زردشتی، صائبی، نسطوری، برهنه‌های هند، رومیان وجود داشتند و این فرصتی بود برای نشر افکار مسموم خود و القاء آن به جوانان و افراد ساده دل و همین طور محتوای خود این کتب نیز می‌توانست شبهاتی به همراه داشته باشد.

امام رضا علیه السلام با آگاهی از این خطر و با حضور فعال در جلسات بحث‌های علمی که توسط مأمون برگزار می‌شد، سعی کردند جلوی هرگونه انحراف احتمالی را بگیرند و برتری اهل بیت را نشان دهند.^۴

هدف مأمون از برگزاری بحث‌های علمی

در اینجا چند عقیده وجود دارد. از جمله:

الف) اینکه هدف محکومیت امام بود. دلیلش اینکه مأمون به «سلیمان مروزی» گفت: هدف من از برگزاری جلسه بحث چیزی جز این نیست که راه را بر او - امام رضا علیه السلام ببندی.^۵

شاهد دیگر کلام امام که فرمود: هنگامی که با اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل به انجیلشان، با اهل زبور با زبورشان، با ستاره پرستان به شیوه عبرانشان، با موبدان به شیوه پارسیشان با رومیان به سبک خودشان استدلال کرده همه را به تصدیق سخن خود وادار کنم، مأمون خواهد فهمید که راه خطا را برگزیده و یقیناً پشیمان خواهد شد.^۶

آنچه این احتمال را تقویت می‌کند آن است که دربار مأمون تا پیش از شهادت امام، پیوسته محل برگزاری این مناظره‌ها بود؛ ولی پس از آن دیگر اثری از این مجالس علمی و بحث‌های کلامی دیده نشد. وقتی این محافل در از میان بردن شخصیت امام ناکام ماند، مأمون در اندیشه حذف فیزیکی امام فرورفت و سرانجام ایشان را مسموم ساخت.

ب) مأمون خود، آدم بی‌فضلی نبود و تمایل داشت به عنوان یک زمامدار عالم در جامعه اسلامی معرفی گردد و مورد توجه قرار گیرد. او شهرت به علم دوستی داشت و فیلسوف خلفای عباسی شناخته می‌شد.^۷

• مناظرات امام علیه السلام با پیروان ادیان

این مناظرات فراوان است و شیخ صدوق در «عیون اخبار الرضا» و علامه مجلسی در جلد ۴۹ بحار الانوار و استاد عزیزالله عطاردی در کتاب مسند الامام الرضا جلد دوم آورده‌اند. مهمترین این مناظرات عبارت است از:

۱. مناظره با جاثلیق (این کلمه لقب پیشوای عیسویان بود).
۲. مناظره با رأس الجالوت (این کلمه لقب پیشوای یهود بود).
۳. مناظره با هرئز اکبر (این کلمه لقب پیشوای زردشتی بود).
۴. با عمران صائبی (از پیروان حضرت یحیی علیه السلام)
۵. با سلیمان مروزی؛ وی عالم بزرگ علم کلام در خطه خراسان بود.
۶. علی بن محمد بن جهم؛ ناصبی و دشمن اهل بیت.
۷. مناظره با ارباب مذاهب مختلف در بصره.

• تدوین حدیث در عصر امام علیه السلام

امام رضا علیه السلام نیز پیروان و خواص خویش را امر به تدوین علم و احادیث می‌نمود. در مصادر روایی، کتبی به حضرت نسبت داده شده است و جزء مؤلفات حضرت آورده‌اند از جمله:

۱- صحیفه الرضا علیه السلام

این کتاب را «مسند الامام الرضا» نیز نامیده‌اند و بسیاری از روایان فریقین این را نقل نموده و در بعضی از مصادر، اسامی بعضی از روایان آن آمده است و نسخه‌های متعدد از آن در «صنعاء» و در «قم» تحت عنوان «کتاب ابن ابی‌الجعد» که کنیه «احمد بن عامر بن سلیمان الطائی» است، در تهران و مشهد وجود دارد.^۸

۲- الرسالة الذهبیة

رساله‌ای در مسائل طبّی که امام به درخواست مأمون نوشته است و مأمون دستور داد آن را با آب طلا بنویسند. لذا رساله ذهبیه نامیده شد.^۹

۳- مجالس الرضا علیه السلام مع اهل الایمان

مأمون مجالس علمی و مناظرات دینی و علمی بین امام و علماء ادیان دیگر برقرار می‌نمود. امام علیه السلام نیز فرصت را غنیمت شمرده و حقانیت، تشیع و اسلام را به اثبات می‌رساند و اعتقادات دیگران را با استدلال رد می‌نمود که بعداً یکی از پیروان امام آن مجالس را گردآوری نمود.

۴- امالی الامام الرضا علیه السلام

این صحیفه را «ابوالحسن علی بن علی الخزاعی» برادر شاعر بزرگ شیعی یعنی دعبل خزاعی نقل کرده است. شیخ طوسی به همین سند از این کتاب روایت نقل نموده است.

محقق بزرگوار سید محمد رضا جلالی حسینی احتمال داده است که این همان کتابی باشد که نجاشی آن را ذکر کرده است. در مقدمه المعجم المفهرس الالفاظ احادیث البحار ۲۰ مورد از تألیفات امام رضا علیه السلام را نام می‌برد.^{۱۰}

پی نوشت ها:

۱. تدوین السنۃ الشریفه، ص ۱۷۶؛ محجۃ العلماء، ص ۲۵۳.
۲. سیر حدیث در اسلام، ص ۲۳۶ و ۲۶۳.
۳. شیخ طوسی، رجال شیخ (قم، منشورات الرضی) ص ۳۶۶ و ۳۹۷.
۴. سیره پیشوایان، ص ۵۰۹.
۵. سیره، ص ۵۱۲ و ۵۱۳.
۶. همان.
۷. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۴۸۳.
۸. مقدمه المعجم المفهرس، ص ۴۴.
۹. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۶. وی می گوید: «له مؤلفان کثیره» بعد هفت مورد را نام می برد.
۱۰. مقدمه المعجم المفهرس، ص ۴۴ و ۴۵.